

تک برگی راه کار گر

روزنامه سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: آرش کمانگر یکشنبه 6 مهر ماه 1382 - 28 سپتامبر 2003 شماره 171

هیجده میلیون آینده ساز، در رژیم آینده سوز!

نظر خواهی پیرامون بحران هسته ای و مخصوصه بزرگ جمهوری اسلامی

آرش کمانگر



با به پایان رسیدن فصل تابستان و آغاز پائیز، بیش از هیجده میلیون تن از دانش آموزان کشورمان راهی مدارس شدند تا سال تحصیلی 82-83 را با هزار آرزو آغاز کنند. این در شرایطی رخ میدهد که میلیونها کودک و نوجوان در ایران وجود دارند که یا هرگز پا به محیط آموزش نگذاشته اند و یا مدرسه را پس از چند سال رها می کنند علت عمده اکثریت کسانی که از ادامه تحصیل محرومند، همانا فلاکت و بحران اقتصادی_اجتماعی موجود و عواملی چون فقر والدین و نیاز آنها به کار و درآمد فرزندان خود می باشد.

ضمن اینکه سیاست های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی نیز سبب کشتن روحیه تحصیلی و رغبت به کسب علم و فن میگردد. این رژیم از یک طرف با حذف بسیاری از متون و دروس علمی و جایگزینی آنها با مشتی خرافات مذهبی و قرون وسطایی، مراکز علم و آموزش را به حجره های جعل و وجهل پراکنی مبدل نموده و از سوئی دیگر با اعمال شدیدترین سرکوب ها، جو خفقان آلودی را در مدارس سراسری کشور حاکم کرده است، جوی که هم معلم و هم محصل را از حق آزادی اندیشه، بیان، تشکل و تحقیق و تفحص باز میدارد و محیطی کلیشه ای، سنتی و ناهنجار را بر مراکز آموزش مستولی می کند. ضمن اینکه بیش از یک میلیون معلم همچون سایر اقشار طبقه کارگر (طبقه مزد و حقوق بگیر جامعه) بدلیل در آمد ناچیز ناشی از شغل حساس و مهم شان، ناگزیر از زندگی چند شغلی هستند. این مسئله روحیه و انرژی آنها را به تحلیل میبرد و نه تنها سبب عدم ارتقای توانایی علمی و تعلیم و تربیتی آنها می گردد، بلکه ایشان را حتی از پیشبرد وظایف عادی جاری در مدارس نیز باز میدارد. نتیجه ناگزیر این روند، افت تحصیلی و علمی دانش آموزان است. البته بخشی از خانواده های متوسط و مرفه، با استخدام معلم خصوصی و یا ثبت نام فرزندان خود در مدارس موسوم به غیرانتفاعی سعی در مقابله با این پدیده

ادامه در صفحه 2

برلین: به دعوت کانون نویسندگان ایران در تبعید و "فوروم" ایرانیان در برلین، علی اشرف درویشیان نویسنده پر آوازه کشورمان، میهمان ایرانیان ساکن این شهر بود. وی روز جمعه 26 سپتامبر در "خانه هنر و ادبیات هدایت" واقع در خیابان "کانت" برلین حضور یافت. درویشیان ضمن داستان خوانی و نیز ارائه گزارش جدیدی از کانون نویسندگان ایران (داخل کشور) به گفت و شنود با حضار شرکت کننده پرداخت.

اسلو: به دعوت "جنبش همبستگی برای آزادی و دموکراسی در ایران (نروژ)" شماری از ایرانیان آزادیخواه و تبعیدی و افراد بشر دوست نروژی (از جمله نمایندگان سازمان عفو بین الملل) تظاهراتی در روز دو شنبه 22 سپتامبر از ساعت دو بعد از ظهر در مقابل ساختمان وزارت خارجه نروژ برگزار کردند. هدف از این تظاهرات، افشای بند و بست های دولت نروژ با حکومت فاسد و جنایتکار اسلامی بود که بویژه اخیراً به دنبال فاش شدن پرداخت رشه کلان از سوی شرکت نفت دولتی نروژ (اسنات اویل) به یکی از پسران رفسنجانی، بدل به یک رسوایی سیاسی و مالی بزرگ در این کشور و استعفای یکی از معاونین شرکت مذکور شده است.

ادامه در صفحه 4

اعتصاب و تحصن کارگران بافق!
در صفحه 2

در سوگ ادوارد سعید!
در صفحه 2

روایت کوچک از زندان
حسین فردوسی
در صفحه 5

آژانس بین المللی انرژی اتمی، با انتشار بیانییه ای به رژیم اسلامی ایران، رسماً اولتیماتوم داده است که چنانچه تا تاریخ 31 اکتبر 2003 موافقت خود را با امضای پروتکل الحاقی، اعلام نکند، از طریق شورای امنیت سازمان ملل، دست به اقدامات شدیدتری خواهد زد. در این اولتیماتوم، جدا از مسائل مختلف مربوط به تنش های چند ماهه اخیر میان آژانس بین المللی انرژی اتمی و شورای حکام آن با رژیم ایران، سه نکته کلیدی به چشم می خورد:

نخست اینکه جمهوری اسلامی حق ندارد به هیچ فعالیتی در راستای غنی سازی

ادامه در صفحه 3

توضیح و پوزش
در شماره 170 تک برگی،
سندی با عنوان "سازمان یابی
مستقیم و مستقل خود مردم تنها
راه پیشروی است" چاپ شد که
متأسفانه امضای آن جا افتاد. این
سند، قطعنامه سیاسی کنگره
هشتم سازمان ماست که چندی
پیش برگزار شد.

هیجده میلیون آینده ساز، در رژیم آینده سوز!

فراهم می کند، جنبش و تشکل های مستقل دانش آموزی را شکل دهند. معلمین پیشرو و محافل و هسته های دانش آموزان آگاه و مبارز؛ نقش مهمی در این حوزه ایفاء می کنند. وظیفه ای که اگر با پشتکار و پختگی به آن پرداخته شود، می تواند به دو دهه رخوت و رکود سیاسی در مدارس و عقب نشینی فاحش جنبش دانش آموزی در برابر رژیم، پایان دهد. با امید به شکستن سد اختناق در مدارس و عروج مجدد حرکات اعتراضی دانش آموزان، سال تحصیلی پر باری را برای همه محصلین ایران آرزو می کنیم.

علم را با آگاهی و هر دو را با مبارزه دنبال کنید!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران
(راه کارگر)
اول مهر ماه هشتاد و دو

سر نکبت جمهوری اسلامی، آینده ای تیره و تار را در برابر خود می بینند. اما این سرنوشت محتوم و تغییر ناپذیر میلیونها کودک و نوجوان کشور ما نیست، آنها می توانند در کنار سایر جنبشهای اجتماعی (جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، جنبش زنان و.....) با مقاومت در برابر سیاست های ویرانگر رژیم اسلامی و تقویت صفوف خود و ایجاد تشکل های مستقل در مدارس و محلات، عزم خو را برای پایان دادن به عمر این رژیم آینده سوز دو چندان کنند.

تردیدی نیست که دانش آموزان- بویژه محصلین دبیرستانها در شهرهای بزرگ - بخش مهمی از جنبش عمومی جوانان و مردم کشورمان بر علیه استبداد حاکم را تشکیل میدهند، اما ضروریست در خود مدارس نیز که امکان ثابت و محیط اجتماعی مناسبی را همچون دانشگاه برای تداوم مبارزه

ادامه از صفحه 1

مخرب می کنند، اما میلیونها دانش آموزی که از خانواده های کارگری و زحمتکش برخاسته اند، ناگزیرند در این محیط آموزش بحران زده، عقب مانده و کسالت آور سال تحصیلی را به آخر برسانند. چه بسا در همین مسیر که در نهایت ناامیدی، به ترک تحصیل روی می آورند. آنها البته با چشم خود می بینند که وقتی صدها هزار فارغ التحصیل دانشگاهها، قادر به پیدا کردن شغلی متناسب باتخصص و مدرک خویش نیستند و وقتی مشاهده می کنند که درصد اشتغال زنان ایران از ده تا دوازده درصد تجاوز نمی کند، از خود می پرسند، به چه امیدی دلمشغولی گرفتن دیپلم را بخود راه دهند؟! بدین ترتیب عظیم ترین قشر اجتماعی کشورمان که در هر جامعه "نرمالی" بعنوان یک قشر آینده ساز، روی آن حساب ویژه ای باز می کنند، از "خیر"

بعلت عدم دریافت حقوق و دستمزدهای خود و یا دستمزدهای بشدت پائین و یا بیکاری قادر نبوده اند که فرزندان خود را در مدارس ثبت نام و یا لوازم ضروری مدرسه را تهیه کنند. این موقعیتی است که میلیونها کارگر و مزد بگیر ایرانی، بعلت عدم دریافت حقوق و دستمزدهای خود و یا پائین بودن حقوق و مستماری، در فقر و تنگدستی جان فرسای زندگی می کنند. روشن است که تنها از طریق گسترش مبارزات کارگران و مزد بگیران ایران است که می توان سیاست غیر انسانی تحمیل فقر و تنگدستی و پائین نگه داشتن دستمزدها را در هم شکست و هم کارگران و مزدبگیران را برای پرداخت فوری و دستمزدهای عقب افتاده، افزایش دستمزدها و بیمه بیکاری برای همه کارگران و افراد آماده بکار فرا خواند. این نیاز مبرمی است که بیش از بیش احساس می شود.

سازمان ما، ضمن حمایت از کارگران بافقی و خواستههای آنان، مردم ایران را فرا می خواند از خواست بر حق کارگران و مزد بگیران کشور برای یک زندگی انسانی شرافتمندانه حمایت کنند.

اعتصاب و تحصن کارگران بافقی!

بنا به گزارشات انتشار یافته، شهر بافقی، شاهد اعتصاب، راه پیمایی و تحصن کارگران معادن کوشک و کارکنان شهرداری این شهر و حمایت مردم از آن بود - این در حالی بود که هر گونه تجمع و اعتصاب، در آستانه ورود کروی رئیس مجلس شورای اسلامی ممنوع اعلام شد و شورای تأمین شهرستان بافقی، تجمع کنندگان و اعتراض کنندگان را به زندان و بازداشت تهدید کرده بود -

کارکنان شهرداری بافقی در دومین روز اعتصاب خود، با راه پیمایی به سوی فرمانداری و پیوستن به کارگران معترض معدن کوشک و بامسدود کردن خیابان اصلی شهر، اعتراضات خود را به خیابان مقابل فرمانداری کشاندند و خواهان حل مشکل حقوقی خود و تجدید نظر در طرح تجمع عوارض، در حضور رئیس مجلس اسلامی شدند. تهدید به سرکوب و زندان در حالی علیه کارگران بافقی اعلام شد که در آستانه سال تحصیلی، بسیاری از خانواده های کارگری،

در سوگ ادوارد سعید!



ادوارد سعید مبارز و اندیشمند بزرگ فلسطینی و استاد دانشگاه کلمبیای امریکا روز پنجشنبه 25 سپتامبر پس از سالها مقابله با بیماری سرطان در سن 68 سالگی در نیویورک درگذشت؛ او چهارده سال عضو مجلس ملی فلسطین بود اما در سال 92 از این پست استعفا داد؛ وی کتابهای بسیاری در زمینه مسایل خاورمیانه و جهان دارد و سالها در رشته موسیقی و ادبیات انگلیسی در دانشگاههای ایالات متحده تدریس میکرد. ادوارد سعید همچنین به مسایل ایران نیز حساس بود و در راستای دفاع از مبارزات مردم کشورمان برای آزادی و برابری؛ سال گذشته حمایت خود را از کمیته بین المللی دفاع از استقرار دموکراسی در ایران که به همت متفکرانی چون نوام چامسکی، سمیر امین و غیره تشکیل شده؛ اعلام داشته بود. نشریه تک برگی ضمن تسلیت به خانواده، دوستان و کلیه مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی در جهان، خود را در غم آنها شریک میدانند. با آندوه و احترام - تک برگی راه کارگر

نظر خواهی پیرامون بحران هسته ای و مخمصه بزرگ جمهوری اسلامی

ارش کمانگر

ادامه از صفحه 1

ی اورانیوم- که سنگ بنای دست یابی به بمب اتمی است- دست زنده، دوم اینکه با توجه به کشف شدن آثاری از غنی سازی اورانیوم در نیروگاه نطنز (اراک) توسط بازرسان آژانس بین المللی، رژیم باید کلیه سر نخها و دلالت‌های طرف معامله در بازار سیاه جهانی را معرفی و باصطلاح " لو" دهد تا این آژانس بتواند با خاتمه دادن به چنین تجارتهای زیر زمینی و خطرناکی، جلوی دسترسی کشورهای جدید به بمب اتمی را بگیرد. سوم اینکه بازرسان این آژانس در صورت امضای پروتکل الحاقی توسط جمهوری اسلامی- حق خواهند داشت که هر موقع خواستند، بدون اعلام قبلی، از هر مکان و تأسیساتی در ایران بازدید کنند و رژیم حق هیچگونه سنگ اندازی بر سر راه مأموریت کارشناسان مذکور را نخواهد داشت. همین نکته سوم است که سران رژیم، آنرا " تحقیر آمیز و مخالف عزت و استقلال ایران" میدانند. آنها امضای این پروتکل را صدور چک سفیدی میدانند که آمریکا و متحدانش بواسطه آن قادرند همه تحرکات رژیم را کنترل و رصد کنند. این رژیم چون بارها تلاش خود برای دسترسی به سلاح هسته ای را انکار کرده است ظاهراً با دو نکته اول مشکل چندانی ندارد و می گوید که از انرژی هسته ای و امکانات مربوط به دو نیروگاه بوشهر و نطنز، صرفاً می خواهد استفاده صلح آمیز نماید. اما اگر کسی این ادعا را باور نکرد و از تلاشهای رژیم در بازار سیاه بین المللی با خبر بود، رژیم چگونه میتواند به آژانس بین المللی انرژی اتمی، اطمینان دهد جز از طریق حق کنترل و بازرسی مداوم آنها؟! و وقتی این نظارت را بر نمی تابد، در افکار عمومی جهان اینگونه استنباط می شود که لابد " رژیم؟ ریگی در کفش دارد!!" همین بحران و در واقع بن بست است که به اختلافات جناح بندیهای جمهوری اسلامی، ابعاد تازه ای بخشیده است. از یک طرف سید علی خامنه ای (رهبر رژیم) علناً و رسماً مخالفت خود را با امضای پروتکل اعلام داشته و از سویی دیگر بخش عمده " اصلاح طلبان" حکومتی از جمله حزب عمده آنها- جنبه مشارکت - خواستار تن دادن به اولتیماتوم

مخالفیم؟

مذکور بر مبنای مصالح سیاسی و امنیتی عاجل کشور- و از جمله خنثی کردن بهانه جویی آمریکا برای اعمال فشار بیشتر به ایران و تهاجم نظامی احتمالی - هستند. در این میان، بخشی از محافظه کاران تمایل دارند که از طریق بند و بستهای پنهانی با آمریکا و اعطای برخی امتیازات به آن- تحویل دادن رهبران القاعده، کمک به حفظ ثبات در عراق، قطع حمایت از تروریست ها و بنیاد گرایان اسلامی و غیره- این بحران را تخفیف دهند اینها معتقدند که اگر آمریکا را راضی نگه دارند، آژانس بین المللی نیز دست از ضرب العجل خود بر خواهد داشت. در این میان، برخی هم پیش بینی می کنند که سران رژیم بعد از کمی رجز خوانی، سر انجام در آستانه پایان تاریخ ضرب العجل ناگزیر از امضای موافقتنامه خواهند شد، آنها مورد عراق را مثال می زنند که پارلمان آن کشور ابتدا طرح بازرسی ویژه سلاح های کشتار جمعی توسط سازمان ملل را رد کرد و آنرا خلاف " عزت و استقلال عراق" دانست، اما در همان حال به " رهبر صدام حسین" اختیار داد که چنانچه به نفع " مصالح عالی کشور" میدانند، طرح " تحقیر آمیز" سازمان ملل را امضاء کند که صدام در آخرین لحظات اینکار را انجام داد. به هر رو، بحران بین المللی جاری حول تلاش های هسته ای رژیم اسلامی، چیزی نیست که این حکومت، بتواند براحتی گریبان خود را خلاص کند. بویژه اینکه اینبار کشورهای عضو اتحادیه اروپا- نظیر فرانسه، آلمان و انگلیس- و حتی شریک فعالیت های هسته ای رژیم- روسیه- نیز قاطعانه خواستار امضای پروتکل الحاقی شده اند و تقریباً در این زمینه، یکنوع "اجماع" جهانی در قبال ماجراجوییهای اتمی رژیم بوجود آمده است. از دست رفتن کرسی ایران در شورای حکام- حتی قبل از تاریخ اولتیماتوم-

نمونه ای از این "اکر" عمومی را به نمایش گذاشت. در این میان، آنچه به نیروهای چپ و ترقیخواه و مستقل کشورمان - که هم با جمهوری اسلامی و هم با مداخلات امپریالیستی در امور دیگر کشورها - مخالفند، بر میگرود، پاسخگویی مشخص به شش نکته کلیدی میباشد:

1- آیا رژیم ایران باید پروتکل الحاقی را امضاء کند؟

2- آیا ما با دستیابی کشورهای جدید بویژه جهان سوم به سلاح های اتمی، بعنوان یک عامل باز دارنده در برابر امپریالیستها و ژاندارم جهانخوار عصر- آمریکا-

3- اگر حکومت ایران نه در دست رژیم ارتجاعی و ماجراجوی جمهوری اسلامی، بلکه در دست نیروهای مردمی و مترقی بود، آیا باز پیشنهاد امضای پروتکل و دست شستن از فعالیت های اتمی را به آن میدادیم؟

4- آیا نظام حاکم بر جهان و از جمله آژانس بین المللی انرژی هسته ای، مبتنی بر تبعیض و نابرابری نیست؟ که در آن قدرت های اتمی و در رأس آنها آمریکا برای خود " حق ویژه" قائل هستند که این نوع سلاح های کشتار انبوه را در بد اختیار داشته باشند و حتی به آزمایش و توسعه آن کماکان ادامه دهند، اما کشورهای دیگر را از اینکار منع نمایند؟

5- آیا ما باید از ایده خلع سلاح کامل و از جمله نابودی کلیه سلاح های هسته ای، میکروبی، شیمیایی و..... دفاع کنیم؟ و آیا جلوگیری از دسترسی رژیم ها و کشورهای جدید به این نوع سلاح های مخوف، گامی در راستای ایده آل مذکور نیست؟

6- صرفنظر از ماهیت مردمی یا ضد مردمی یک رژیم؟ اگر کشوری در محاصره و خطر تهاجم نظامی و یا تحریمهای گسترده بین المللی قرار گرفت، آیا- سوا از حقانیت یا عدم حقانیت چنین فشارهایی- چاره ای جز امضای پروتکل خواهد داشت؟ و آیا عدم امضای چنین موافقتنامه ای به منزله یک خود کشی سیاسی و ماجراجویی جنگی نخواهد بود؟ این سئوالات و انبوه نکات دیگری از این دست، مستلزم پاسخگویی صریح - بویژه از سوی نیروهای چپ و مترقی هستند. سکوت در این زمینه، معنایی جز انفعال سیاسی در برابر یکی از مهمترین و عاجل ترین بحرانهای منطقه ای و بین المللی جاری ندارد.

نشریه " تک برگی" در این راستا، آماده انعکاس نظرات و دید گاههای مدافعین آزادی و سوسیالیسم می باشد. لطفاً مطالب خود را با امضای فردی پیرامون این بحران- بویژه سئوالات شش گانه فوق الذکر - بدست ما برسانید.

اخبار آکسیونها، مراسم ها و فعالیت ها در خارج از کشور

ادامه از صفحه 1

○ **اوتریخت:** به دعوت " کانون زندانیان سیاسی ایران- هلند" قرار است سمینار بزرگی در روز یکشنبه پنجم اکتبر در سالن صلیب سرخ اوتریخت برگزار شود. موضوع بحث این سمینار، "بررسی موانع اتحاد نیروهای سیاسی" می باشد که در آن نمایندگان احزاب و سازمانهای زیر سخنرانی خواهند داشت:

حزب دمکرات کردستان - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان- اتحاد فدائیان خلق- حزب توده- سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)- جبهه ملی- حزب ملت ایران و سازمان ما.

○ **آمستردام:** وزارت امور بیگانگان و انتگرسیون هلند، طرحی را به پارلمان این کشور ارائه داده که به لایحه عفو محدود پناهجویان معروف است. به موجب این طرح کلیه کسانی که قبل از 27 مارس 98 تقاضای پناهندگی کرده و پرونده اولشان بیش از پنج سال باز مانده، مشمول عفو- یعنی حق اقامت در هلند- خواهند شد و سایرین یعنی کسانی که بعد از این تاریخ تقاضای پناهندگی کرده اند و یا اگر قبل از آن وارد هلند شده اند به دلیل باز شدن پرونده برای بار دوم یا سوم، باید بیدرنگ خاک این کشور را ترک کنند. سازمان های پناهندگی- از جمله سازمان پریم و نیروهای سیاسی و نماینده گان مترقی و شماری از شهرداریها به شدت با طرح عفو محدود مخالفند و خواهان عفو عمومی هستند. طبق آخرین نظر سنجی نیز 65 درصد مردم هلند با عفو محدود مخالفند. در اعتراض به این سیاست دولت راستگرای هلند، روز شنبه 20 سپتامبر در میدان دام آمستردام با حمایت 250 سازمان، تظاهرات بزرگی که فعالین چپ ایرانی در سازمان پریم، نقش سازمانگرا نه مهمی در آن داشتند، برگزار شد. همچنین در روز

دو شنبه 22 سپتامبر از ساعت هفت ونیم، اجتماع اعتراضی مشابه ای در جلوی شهرداریها بر پا گردید. سازماندهی این حرکت، بعهد سازمان پریم، سازمان اینلیا (نماینده بیش از 500 کلیسا در هلند) و سازمان پناهندگان سراسری "فون" بود.

○ **پاریس:** نیروهای ضد امپریالیست، تشکل های ضد جنگ و فعالین چپ و مترقی در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا ی شمالی، در اعتراض به مداخلات امپریالیستی، تهاجم نظامی آمریکا به منطقه خاور میانه، جنگ بیرحمانه رژیم اسرائیل علیه خلق فلسطین و تلاش رژیم مذکور برای اخراج رهبر قانونی تشکیلات خود گردان فلسطین (یاسر عرفات)، تظاهرات بزرگی را در شهرهای مهم سازمان دادند. در پاریس این حرکت اعتراضی در روز شنبه 27 سپتامبر برگزار شد که در این رابطه " کلکتیو ایرانیان ضد جنگ" با صدور اعلامیه ای حمایت خود را از حرکت مذکور اعلام داشته بود-

در ونکوور کانادا، این تظاهرات به دعوت " ائتلاف علیه جنگ" در روز یکشنبه 28 سپتامبر از برابر ساختمان آرت گالری واقع در مرکز شهر شروع شد. شماری از فعالین چپ ایرانی نیز در این راهپیماییهای ضد امپریالیستی و ضد جنگ حضور داشتند.

○ **شبکه پالتالک:** به همت " اتاق گفتگوی کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی در ایران" (متشکل از سازمان ما، اتحاد فدائیان خلق و حزب دمکرات کردستان)، آقای اصغر ایزدی یکی از فعالین و صاحب نظران مستقل جنبش چپ، در شبکه جهانی پالتالک (شبکه بین المللی گفتگوی های اینترنتی) سخنرانی نمود. موضوع این سخنرانی ونیز پرسش و پاسخ، مسئله ائتلاف و اتحاد عمل نیروهای سیاسی بود که در روز یکشنبه 28 سپتامبر از ساعت 8 شب به وقت اروپای مرکزی (ده ونیم شب بوقت ایران) بوقوع پیوست و به مدت چند ساعت تداوم یافت. لازم به ذکر است که برای شرکت در اتاق های گفتگوی شبکه پالتالک، لازم است که با مراجعه به سایت www.paltalk.com فرم ثبت نام را پر کنید.

○ **لندن:** به دعوت "انجمن سخن" سمیناری حول موضوع چگونگی گذار به دمکراسی در ایران" در روز شنبه 20 سپتامبر در شهر لندن برگزار شد که در آن نماینده گان چهار جریان سیاسی اپوزیسیون، سخنرانی داشتند. حسین باقر زاده (از امضاء کننده گان و سخنگویان منشور 81- معروف به منشور همکاری جمهوری خواهان و سلطنت طلبان) بیژن حکمت (از امضا کنندگان و مسئولین "اتحاد جمهوری خواهان" اصلاح طلب) تقی روزبه (از کادرهای سازمان ما و جنبش سوسیالیستی) و داریوش همایون (از سخنگویان طیف سلطنت طلب، که ظاهراً بدلیل جور نشدن ویزا نتوانست در میز گرد و مناظره شرکت کند). در این سمینار آقایان باقر زاده و حکمت، در مخالفت با مواضع چپ انقلابی و جمهوری خواهان دمکرات و مبارز، کماکان بر مشی شکست خورده و به بن بست رسیده خویش در مخالفت با انقلاب و سرنگونی تاکید داشتند و در پی سراب اصلاحات در چهار چوب سیستم بودند که این مسئله بخوبی توسط تقی روزبه و شماری از حضار مورد نقد قرار گرفت. رادیو فردا در رابطه با این میز گرد سیاسی، با سخنرانان مصاحبه داشت که البته سخنان تقی روزبه را بصورت سانسور شده از رادیو پخش کرد.

○ **بروکسل:** حدود 45 نفر از پناهجویان بلاتکلیف ایرانی در بلژیک که خطر اخراج آنها را تهدید می کند، از چند روز پیش در دانشگاه آزاد بروکسل دست به تحصن زده اند که پیش بینی می شود، شمار دیگری به آنها بپیوندند. چند هفته پیش نیز جمع دیگری از پناهجویان در کمپ پناهنده گی "قلعه کوچک" دست به تحصن زده بودند که تشکیلات خارج از کشور سازمان ما با صدور اعلامیه ای، ضمن حمایت از حرکت عادلانه آنها، خواستار حمایت بین المللی از خواستهای پناهجویان در بلژیک و جلوگیری از دیپورت آنها به جهنم جمهوری اسلامی شده بود.

اعتراض سراسری پرستاران ایران

پرستاران ایران، روز شنبه 29 شهریور را به روز اعتراض و همبستگی مبارزاتی خود تبدیل کردند. گزارشات مختلف از شهر های ایران حاکی است که پرستاران بیمارستانها و مراکز بهداشتی و بسیاری از کارکنان بیمارستانهای کشور، با اتصال اتیکت، خواست و مطالبات پرستاران ایران را اعلام و بر حقوق مشترک و خواست همگانی پرستاران تأکید کردند.

افزایش دستمزدها، متوقف کردن اجرای ماده 192 در رابطه با خصوصی سازی خدمات پرستاری، کاهش ساعات کار، لغو اضافه کاری اجباری، کاهش بیکاری، رفع تبعیض در پرداخت کارانه به پرستاران، لحاظ کردن عنوان کارشناسی در احکام حقوقی و کارگزینی دارندگان مدرک کارشناسی از خواسته های عمومی پرستاران ایران اعلام شده است. خواسته هایی که در اعتصابات و تظاهرات سال گذشته پرستاران و خصوصاً تظاهرات گسترده آنان در مقابل مجلس اسلامی عنوان شده بود.

سازمان کارگران انقلابی ایران، از اعتراض و خواست پرستاران ایران حمایت می کند و پرستاران ایران را فرا می خواند که از طریق سازمان دادن تشکل های مستقل و سراسری خود و در پیوند با همه کارگران و مزد بگیران ایران، برای خواست افزایش دستمزدها، پرداخت فوری دستمزدهای عقب افتاده، کاهش ساعات کار، لغو اضافه کاری اجباری، علیه خصوصی سازی، علیه تبعیض و نابرابری حقوقی و برای بیمه بیکاری برای تمامی بیکاران و افراد آماده بکار، مبارزات خود را پی گیرند. تنها و تنها در صورت به میدان آمدن طبقه کارگر متشکل و سازمان یافته است که کارگران و مزد بگیران ایران می توانند رژیم اسلامی و طبقه سرمایه دار را به عقب نشینی از سیاست های ضد مردمی شان و دارند و زمینه های پیروزی نیروی آزادی، برابری و رفاه را برای خود و فرزندان شان تأمین نمایند.

سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر
30 شهریور 1382 - 21 سپتامبر 2003

روایت کوچک از زندان

حسین فردوسی

گاه در اطاقها به صورت اینکه با دیگران کشتی می گرفت نشان می داد. و یا اوقاتی که بر روی کتابهای درسی اش متمرکز می شد به روشنی دید. «تقی» هنگامیکه به مدرسه راهنمایی می رفت با دانش آموزان هوادار مجاهدین خلق رفت و آمد می کرد، اعلامیه و نشریات آنها را می خواند و روزی از روزها او تعدادی از نشریات را به خانه اش می برد، و خانه او در یکی از روستا های اطراف اصفهان بود، پدر او که پیر مردی روستائی بود که همچون میلیونها مردم عادی ایران در توهم آیت الله خمینی بود، و می پنداشت که آقا آمده است تا اسلام را حراست کند و عدالت را بر زمین اقامه کند. با ایجاد شکاف بین « مجاهدین » و رژیم جمهوری اسلامی بین تقی و پدر و مادرش گاه بگاه، بگو و مگو در می گرفت. تا اینکه در بهار سال شصت پدر تقی که به ظاهر صحبت ها ی خمینی و دیگر سران جمهوری اسلامی را باور کرده بود، دست تقی را می ←

روایت سرکوب، اعدام و کشتار رژیم جمهوری اسلامی، روایتی آشکار و عریان است. که کوهی از مقالات کتابها نوشته شده و باید نوشته شود. و هر آنچه نوشته شود، آنچه بر انسان از سوی این حاکمیت رفته است، نمیتواند به تمامی روایت شود. در اینجا می گوئیم راوی داستانی بسیار ساده، که در عین سادگی فاجعه بار است باشم.

آنان که از سالهای شصت گذرشان به زندان اصفهان افتاده باشد. نوجوانی رابه یاد می آوردند که به او تقی جدیدی می گفتند.

یک جوان ریزه، کوچولو با چهره معصوم روستائی با اندامی ورزیده و مملو از انرژی زندگی، وتلاش، که سر زندگیش را در هوا خوری در مواقع فوتبال، والیبال،



گیرد و او را به واحد سپاه پاسداران منطقه می دهد. و با این جمله « بچه من از این نشریات می خواند او را مقداری ادب کنید » و تقی چهارده ساله را بدست نیروی سرکوب می دهد. در فعل و انفعالاتی که در تابستان شصت صورت گرفت، تقی به دادگاه می رود و حاکم شرح او را به پانزده سال زندان محکوم می کند. مراحل نوجوانی تقی در زندان سپری می شود و سال به سال او، از مراحل نوجوانی پا به جوانی می گذارد، صورت او بتدریج ریش و سبیل پیدا می کند. کم کم « تقی » راوی کوچک زندان اصفهان بود که تاریخچه زندان بود چه کسانی اینجا آمدند، رفتند، چه کسانی اعدام شدند. چه کسانی تن به همکاری دادند. چه کسانی رفتند و دوباره باز گشتند. و « تقی » تاریخ این بند ها را در سینه داشت. و سیر ایام با بهبود نسبی شرایط او در بند شروع کرد درسهای دبیرستان را بخواند و هر سال امتحان بدهد و به کلاس بالاتری برود. او مملو از امید و آرزو می کوشید دیپلم ریاضی بگیرد. و ساعات بسیاری را مشغول حل مسئله ریاضی و فیزیک بود. بعد در سال 67 که جمهوری اسلامی مجبور به قبول قطعنامه

آتش بس شد، مسئولین حکومتی که بر طبل جنگ می کوبیدند و هر دم شعار « پیش به سوی جبهه ها » را تکرار می کردند و بدون توجه به منافع عمومی رجز می خواندند که اسلام را بهر جا صادر خواهند کرد. اینک در برخورد با واقعتهای سیاسی مجبور به نوشیدن جام زهر شدند. به انتقام کثی بر آمدند و بر سر زندانیان به زندان ریختند. « تقی » هم چون سایر زندانیان به انفرادی برده شد. در مقابل دادگاه صحرایی قرار گرفت به جوخه اعدام سپرده شد. پدر تقی که اینک مدت شش ماهی بود، از قطع ملاقات زندانیان می گذشت. به مسئولین زندان مراجعه کرد تا از سرنوشت فرزندش که بیش از هفت سال پیش خود با توهم او را به سپاه تحویل داده بود. تا به اصطلاح خودش « او را ادب کنند » کسب اطلاع کند. و مسئولین زندان، ساک کوچک « تقی » را به پدرش تحویل دادند. گفتند که او اعدام شده است و جسدش در فلان منطقه گورستان به خاک سپرده شده است. تازه پدر « تقی » از توهم به در آمد، که چگونه خود فرزندش را به سلاح خانه فرستاده است

تابستان 82

رادیو برابری

رادیو برابری هر شب ساعت هشت و نیم بوقت ایران (شش عصر بوقت اروپای غربی) بر روی ماهواره با مشخصات زیر برنامه پخش می کند:

Satellite: Hotbird
613East
Freq.12597 GHz
Transponder: 94
Symbol Rate :27500
Fec:3/4
CHannel :GBTS Feed ½
Right side of dual audio channel

شما میتوانید برنامه های هر روز را بصورت ضبط شده از طریق شبکه جهانی اینترنت، در آدرس زیر نیز گوش دهید:

www.radiobarabari.net

با ما ارتباط بگیرید

سر دبیر تک برگی arash@funtrivia.com

روابط عمومی سازمان public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان 0049 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان 00 33-1-43455804

آدرس سایت راه کارگر www.rahekargar.net

آدرس سایت اتحاد چپ کارگری... www.etehadchap.com

آدرس سایت رادیو برابری..... www.radiobarabari.net

آدرس صندوق پستی سازمان. **BP 195 75563 Paris cedex 12 France**